

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صفحات ۱۹۷-۱۶۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸

بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نامتوازن در استان کردستان با تأکید بر شاخص‌های توسعه اقتصادی

چنور دیداری^۱، رضاعلی محسنی^{۲*}، محمدحسین بحرانی^۳

چکیده

یکی از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه تمرکز شدید و تعادل نامتوازن است، مسئله‌ای که در این پژوهش مورد بررسی است این است که: کشور ایران از جمله مناطقی است با توسعه نامتوازن، به همین دلیل توسعه درونی هم به صورت یکسان در استان‌های ایران صورت نگرفته است، برخی از استان‌ها از توسعه اقتصادی و اجتماعی با شاخص‌های بهتری برخوردارند و برخی مناطق لقب محروم را هم چنان پیش‌آهنگ نام خود دارند. مناطق مرزی مانند استان‌های کردستان، لرستان، ایلام و سیستان و بلوچستان از آن جمله‌اند در بعد درون استانی نیز مسئله به نحوی دیگر بروز نموده است منطقه مورد بررسی در این پژوهش استان کردستان است. نگاه تمرکزگرا از سوی برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مجریان بر توسعه استان‌ها سایه افکنده است. توسعه نامتوازن به عدم توزیع مناسب در برخورداری تمام مناطق از مزایای توسعه نظر دارد. برای ایجاد تعادل و توسعه همه‌جانبه در کشور مطالعه و پژوهش درباره مناطق کمتر توسعه‌یافته جهت برنامه‌ریزی‌های آینده امری لازم و ضروری می‌باشد، این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نامتوازن استان کردستان پرداخته است. نوع تحقیق کاربردی و روش آن تلفیقی از تحلیل محتوا و تحلیل مقایسه‌ای است. از نرم‌افزار max QDA برای تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده با صاحب‌نظران استان و تحلیل مقایسه‌ای آمار اخذ شده از مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ استفاده شده است، بر اساس دیدگاه‌های نظری توسعه اقتصادی علل توسعه ناکافی در بخش‌های مختلف استان کردستان تبیین شده است. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که استان کردستان از نظر بهره‌مندی از ابعاد و شاخص‌های گوناگون توسعه اقتصادی جزء استان‌هایی با میزان توسعه اندک در کشور محسوب می‌گردد و براساس نتایج این پژوهش می‌توان با تأکید بر این امر که محوریت توسعه مشارکت در تمام جوانب است، براین اساس سیاست‌ها و برنامه‌ریزی در راستای جذب مشارکت و همچنین دوری از فرایندهای آسیب‌زایی مانند تبعیض و تمرکزگرایی موجبات بهبود شاخص‌های توسعه اقتصادی از جمله افزایش سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در بخش خصوصی و دولتی، افزایش درآمد سرانه، افزایش تولید و کاهش نرخ بیکاری مقدمات توسعه استان کردستان فراهم می‌گردد.

واژگان کلیدی: توسعه نامتوازن، توسعه اقتصادی، تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، استان کردستان.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی Email: didari.cho@gmail.com

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: mohseni.net14@gmail.com

Email: bahrani50@yahoo.com

۳- دکتری جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه و طرح مسئله

امروزه مقوله توسعه دغدغه بسیاری از کشورهاست بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه بر کاهش نابرابری‌های موجود و رفع دوگانگی‌ها به‌عنوان یکی از اهداف اساسی توسعه تأکید می‌ورزند. بر این اساس مطالعه سطوح توسعه یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات جهت رفع موانع است. از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه نگاه تمرکزگرا و نامتعادل در ابعاد منطقه‌ای ملی و... است که معلول سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌آید. استان کردستان به لحاظ وضعیت طبیعی دارای اکوسیستمی زیبا و خرم و دارای منابع طبیعی و پتانسیل‌های فراوان است ولی به لحاظ عقب‌ماندگی در بحث توسعه از زمره مناطق محروم و با سطح توسعه ناکافی و نامتوازن در ایران محسوب می‌شود. شناخت و تجزیه و تحلیل وضعیت مناطق در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گام مهمی در فرآیند برنامه‌ریزی برای توسعه است. در این پژوهش با نشان دادن نابرابری‌ها و میزان عقب‌ماندگی در بحث توسعه استان کردستان در مقایسه با استان‌های دیگر و با بهره‌گیری از روش تحلیل مقایسه‌ای و تحلیل محتوای کیفی به بررسی این نابرابری‌ها که برآیند عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است پرداخته می‌شود. همان‌طوری‌که روند توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف جهان دارای مراتب گوناگون است، در داخل یک کشور نیز روند توسعه‌یافتگی در بین استان‌ها و مناطق مختلف یکسان نیست و نابرابری‌های ناحیه‌ای در تمام اشکال و سطوح آن می‌تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد. البته، این پدیده یکی از ویژگی‌های بارز مناطق در کشورهای در حال توسعه است و در همه این کشورها کم و بیش مشهود است (Pacion, 2019: 20).

توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با توجه به توزیع فضای ناهمگن منابع و همچنین عوامل مختلف اجتماعی اقتصادی و اقلیمی مناطق و تعریف نامشخص و دقیق نبودن جایگاه مشخص آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی و شناخت ناکافی و اهمیت آن در تعادل بخشی و تنظیم نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی و توزیع بهینه منابع و فعالیت‌ها از طریق سیاست‌گذاران باعث بروز نابسامانی‌های ناحیه‌ای و توسعه غیریکپارچه در سطح نواحی شده‌است (آسایش، ۱۳۹۱: ۶۸). در داخل یک استان نیز سطح توسعه‌یافتگی

شهرستان‌های آن متفاوت می‌باشد. به عبارت دیگر؛ به علت امکانات بالقوه منطقه‌ای، یا سیاست‌های خاص دولتی و... نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های یک استان ممکن است در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات و... با یکدیگر متجانس نباشد (کلانتری، ۱۳۹۳: ۵۲).

مطالعه و شناخت قشرها و گروه‌های مختلف جامعه به‌عنوان نیروی انسانی و فکری و محوری‌ترین عنصر توسعه، و توجه به مطالبات و انتظارات آنان برای تقویت وفاق ملی و کم کردن هزینه‌های ناشی از نارضایتی و احیاناً درگیری‌های اجتماعی از ضرورت‌های انکار ناپذیر است، لذا در جوامعی که تکثر قومی و فرهنگی دارند حساسیت ویژه‌ای در این زمینه احساس می‌شود. در ایران به‌عنوان جامعه‌ای متکثر از نظر فرهنگی و قومی برای تأمین امنیت داخلی و تحکیم مناسبات خارجی و نیز دستیابی به توسعه متوازن و برابر، توجه به توزیع عادلانه امکانات و منابع آموزشی، بهداشتی، صنعتی و... در میان مناطق مختلف کشور خصوصاً مناطقی که تاکنون کمتر مورد توجه بوده‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد (کوه‌شکاف، ۱۳۸۷: ۳). موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ایران در سال ۱۳۸۶ در مطالعه‌ای با عنوان روش‌های تحلیل چند متغیره و کاربرد آن در سطح‌بندی استان‌های کشور با استفاده از مجموعه‌ای از شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی و کاربرد روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای استان‌های کشور را در چهار حوزه اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی و محیط زیستی سطح‌بندی کرد. مقاله بررسی سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد عاملی در نتایج سطح‌بندی استان‌ها نشان داد که استان‌های کشور در شرایطی ناهمگن و نامتوازی قرار گرفتند. بر اساس این نتایج استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، تهران و سمنان به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم و استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان و همدان به ترتیب در رتبه‌های آخر قرار گرفتند. رتبه استان کردستان بر اساس بررسی‌های انجام شده و با استفاده از تحقیقات چند ساله اخیر و دسته‌بندی شاخص‌های توسعه جزو استان‌های توسعه نیافته کشور محسوب می‌گردد. محرومیت و توسعه‌نیافتگی مناطق کُردنشین کشور ابزار مناسبی برای توسل به حرکات خشن و مسلحانه رهبران سیاسی احزاب کرد در داخل و خارج از مرزهای کشور خواهد بود و توده مردم محروم منطقه را با سهولت بیشتری در جهت

دستیابی به خواسته‌های نخبگان بسیج خواهد کرد و به عمومیت بخشی حرکات سیاسی قومی در سطح مردم منطقه منجر خواهد شد. این امر امنیت ملی و وفاق و همبستگی را در میان اقوام ایرانی، که طی تاریخ مشترک چند هزار ساله آنان در جامعه ایرانی حاصل شده است، تضعیف خواهد کرد. لذا به نظر می‌رسد توجه به حقوق انسانی و اجتماعی بخشی از جمعیت کشور که تاکنون کمتر مورد توجه بوده است و نیز برای تحکیم بنیان‌های همبستگی ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور، حذف نابرابری‌های منطقه‌ای و رشد متوازن شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی و صنعتی در کشور و نیز در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و مذهبی اقوام ایرانی و ویژگی‌های هر منطقه، (خصوصاً مناطق گُردنشین کشور که تجربه چالش‌های قومی را داشته‌اند) در مبنای اندیشه‌ای برنامه‌های توسعه کشور اهمیت و حساسیت بالایی دارد.

ملاحظات نظری

توسعه اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد در نیمه دوم دهه بیستم به‌شمار می‌رود. در تعریف، توسعه اقتصادی به‌عنوان فراگردی معرفی می‌شود که درآمد سرانه واقعی یک کشور طی یک دوره بلند مدت افزایش می‌یابد (میر، ۲۰۱۱: ۳۵). "توسعه اقتصادی" عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل می‌شود اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهند کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به‌صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هر روز نوآوری جدیدی ارائه خواهد شد. به‌علاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهادها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد (گیلیس، ۲۰۱۳: ۶۳۸). جرال (Gerald Meier, 2011) توسعه را رشد اقتصادی توأم با «تحولات» تعریف می‌کند و تحولات را به تغییرات در دو حوزه جستجو می‌کند: (۱) ارزش‌ها و نهادها و (۲) تغییرات فنی.

$$\left. \begin{array}{l} \text{تغییرات فنی} \\ \text{تغییرات ارزشی و نهادی} \end{array} \right\} \text{تحولات} + \text{رشد} = \text{توسعه}$$

توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد و به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است که هیچ محدودیتی ندارد (سلیمی فر، ۱۳۹۲: ۴۵). در عمل درآمد سرانه واقعی (PGDP) رایج‌ترین ابزار اندازه‌گیری توسعه اقتصادی است. می‌توان گفت از آن‌جا که هر فروشی به صورت همزمان، هزینه به وسیله خریدار می‌باشد و همه دریافتی‌های فروش خالص به عنوان درآمد فرد دیگری است، محصول ناخالص ملی، هزینه ناخالص ملی و درآمد ناخالص ملی اگر به درستی اندازه‌گیری شوند باید یکسان ($GNP=GNI=GNE$) باشند (پومفرد، ۲۰۱۲: ۱۱).

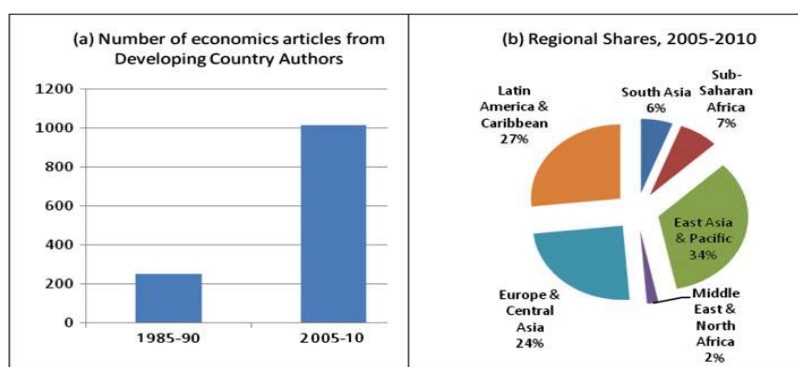
یکی از کلیدهای افزایش درآمد سرانه، بهره‌وری بیشتر در صنعت است. تولید صنعتی امکانات بسیار زیادتری برای جایگزینی کارآمد واردات و افزایش صادرات فراهم می‌کند تا داشتن فقط همان صنایع اولیه. صنعتی شدن و توسعه روستایی باید در کنار هم به انجام برسند (گیلیس، ۲۰۱۳: ۷۰۸). صنعت در بسیاری از کشورهای رو به توسعه کلیدی برای تحقق هدف دیگر است: کاهش وابستگی. هدف پنهان توسعه: صنعتی شدن برای صنعتی شدن (گیلیس، ۲۰۱۳: ۷۰۹).

اصلی‌ترین متفکری که در زمینه اقتصاد توسعه به بحث و گفت‌وگو پرداخته است، آدام اسمیت می‌باشد، اسمیت در اندیشه مرکانتیلیسم درباره روابط بین ثروت و قدرت نیز تجدیدنظر می‌کند، دولت‌ها نباید به تأسیس انحصارها، وضع تعرفه‌های ثابت یا نشان دادن علاقه‌مندی به پاره‌ای صنایع اقدام کنند، بلکه می‌بایستی اجازه دهند تا قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی در دست خود عوامل اقتصادی قرار گیرد (آزاد ارمکی، ۱۳۹۲: ۳۱).

روستو در کتاب خود به نام مراحل رشد اقتصادی مدعی می‌شود تمام جوامع از مراحل پنج‌گانه توسعه می‌گذرند. تحلیلی که رشد اقتصادی برای رسیدن به مرحله‌ای، که بعد از آن به طور خودکار ادامه یابد، نیاز به افزایش میزان سرمایه‌گذاری خواهد بود. روستو و هوزلیتز، هر دو، ظهور نخبگان و صاحب‌کاران اقتصادی را، که قادر به رهبری فرایند توسعه باشند لازم می‌دانند. تأکید بر روحیه کارفرمائی و انباشت سرمایه، مهم‌ترین موضوعی است که به

عنوان درسی از تجربیات کشورهای غربی، پند گرفته به‌طور خودکار آن را در مورد بقیه کشورهای دنیا نیز به کار برد، تا این کشورها نیز بتوانند مرحله گذار را تکرار کنند. تأکید بر انباشت سرمایه فقط محدود به جامعه‌شناسان نمی‌شود، بسیاری از اقتصاددانان نیز مهم‌ترین مشکل توسعه‌نیافتگی را کمیابی سرمایه دانسته‌اند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۹۳).

جاستین ایفولین و دیوید روزنالت در مقاله تغییر الگوهای رشد اقتصادی و بازانیشی درباره توسعه در سال ۲۰۱۲ بحث نیاز به دموکراتیزه کردن اقتصادهای توسعه‌ای را مطرح می‌کنند. ابداع دائمی فن‌آوری و تغییر ساختاری در رشد اقتصادی مدرن در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه درونی و ذاتی می‌شود؛ با وجود این، چالش‌های سیاسی برای دستیابی به رشد در بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته تفاوت دارد. این تفاوت از این واقعیت نشأت می‌گیرد که صنایع در کشورهای توسعه یافته عموماً روی مرز فن‌آوری جهانی قرار گرفته‌اند، در حالی که صنایع در کشورهای در حال توسعه در مرز جهانی هستند. اکثر نظریه‌های اقتصادی توسط اقتصاددانان در کشورهای توسعه یافته به هدف تبیین پدیده اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته یا توسط اقتصاددانانی فراهم شده‌اند که کشورهای توسعه یافته را به‌عنوان مرجعی برای تبیین این پدیده در کشورهای در حال توسعه به کار برده‌اند (مانند ساختارگرایی و اجماع واشنگتنی). بسیاری از محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه در بین کشورها و یا در دوره‌های زمانی مختلف تفاوت دارند. اکثر کشورهای در حال توسعه‌ای که از نظریه‌های توسعه‌ای غالب برای طراحی سیاست‌های توسعه‌ای پیروی می‌کنند، نتوانستند شکاف درآمدی خود با کشورهای توسعه یافته را از بین ببرند.



شکل (a) و (b) افزایش تحقیقات اقتصادی توسط مؤلفان کشورهای در حال توسعه

(a) تعداد مقالات اقتصادی از مؤلفان کشورهای در حال توسعه/ (b) سهم‌های منطقه‌ای، ۲۰۰۵-۲۰۱۰.

آمریکای لاتین & کاراییب ۲۷٪/ آسیای جنوبی ۶٪/ آفریقای سیاه ۷٪/ آسیای شرقی & اقیانوس آرام ۳۴٪/ اروپا & آسیای مرکزی ۲۴٪/ خاورمیانه & آفریقای شمالی ۲٪.

نظریه‌ها و تجربیاتی که از کشورهای در حال توسعه به دست آمده‌اند با سایر نظریه‌ها و تجربیات کشورهای در حال توسعه نیز، به دلیل شباهت در فرصت‌ها و محدودیت‌های آن‌ها، مطابقت خواهند داشت. حوزه‌های بسیاری وجود دارند که ابداع سیاست از خود جهان در حال توسعه نشأت می‌گیرد. منابع دولت‌ها برای رشد و توسعه سرمایه‌گذارهای اساسی و زیربنایی، خدمات رسانی به شهروندان و ارضای نیازهای مصرفی آنان و همچنین نیازهای امنیتی و نظامی محدود است. مسئولان کشورها ناگزیرند با اتخاذ جهت‌گیری کلان اقتصادی و راهبرد مناسب، درآمدها و هزینه‌ها را به گونه‌ای تنظیم نمایند تا در زمان کمتری اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را محقق سازند. برخی از واحدهای سیاسی در سطح کلان با اتخاذ رویکرد اقتصاد آزاد، به رشد و توسعه دست می‌یابند، اما با بحران‌های ادواری و شکاف‌های اجتماعی روبرو می‌شوند. دولت‌هایی نیز با عدم توجه به اولویت‌ها، عملاً توازن مورد نیاز در برنامه‌های توسعه را با مشکل مواجه نموده، عقب ماندگی کشور سبب می‌شوند برای مثال جهت‌گیری میلیتاریستی و نظامی گرایانه باعث می‌گردد میلیاردها

دلار که باید صرف توسعه پیشرفت و رفاه عمومی شود، صرف تسلیحات و جنگ شده و عدم توسعه یافتگی و عقب‌ماندگی را به نمایش می‌گذارد (ایفولین و روزنالت، ۲۰۱۲: ۱۶). دولت‌ها سه استراتژی متفاوت تجارت را برای تغییر جهت گام‌های مزیت نسبی و تغییر الگوهای صنعتی شدن به کار می‌گیرند: جانشینی واردات، صنایع نوزاد و توسعه برون‌نگر.

الف) جانشینی واردات، جایگزین کردن واردات از طریق تولیدات صنایع داخلی است.

ب) صنایع نوزاد: سرمایه‌داران داخلی، خصوصی یا دولتی، و مدیران آنان نیازمند کسب فن‌آوری جدید برای کشور هستند

ج) صنعتی شدن برون‌نگر: دولتی که استراتژی برون‌نگر را دنبال می‌کند، ناچار است که تمامی نظام انگیزشی را از درون دگرگون سازد و آن را برای بنگاه‌ها به منظور فروش تولیدات به کشورهای خارج سودآورتر سازد، در حالی که این امر سود از فروش داخلی را کاهش می‌دهد (رئیس دانا، ۱۳۸۸: ۴۲).

مبانی تئوری پژوهش

در دیدگاه‌های مربوط به توسعه و توسعه نیافتگی، مفهوم توسعه یک واقعیت تلقی می‌شود اما از منظر پساتوسعه، این مفهوم همچون یک اختراع، سیاست و اصطلاح انگاشته می‌شود؛ از این رو وابسته به گفتمان است، یعنی مفهومی فرهنگی و سیاسی به حساب می‌آید تا طبیعی و اجتناب‌ناپذیر (عنبری، ۱۳۹۵: ۱۵). در سطح کلان نظری باید بیان داشت که روند و فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران تحت تأثیر دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی نامتوازن، نامتعادل و وابسته به عوامل ویژه درون جامعه‌ای و برون جامعه‌ای قرار دارد (سیف‌الهی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۴).

گرچه مدیران و مسئولان در چند دهه اخیر، به‌ویژه با شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی تمام تلاش خود را برای رهایی از موانع و تنگناهای درون‌جامعه‌ای و برون جامعه‌ای به کار بسته‌اند، اما هنوز جامعه ایران نتوانسته خود را از قید و بند اقتصاد پیرامونی برهاند. علت این واقعیت را از یکسو باید در ساختار و کارکرد عوامل و عناصر پدیدآورنده جامعه ایرانی و از سوی دیگر در ساختار و عملکرد عوامل برون جامعه‌ای جستجو کرد جامعه ایران

مثل همه جوامع انسانی از ترکیب پنج عنصر و مولفه‌های مربوط به آن شکل گرفته و توسعه یافته است. این عناصر شامل جغرافیایی - اقلیمی؛ جمعیتی؛ اقتصادی؛ فرهنگی؛ سیاسی است (سیفالهی، ۱۳۹۰: ۳۵).

توسعه اقتصادی - اجتماعی یک سده اخیر ایران، روند آن را نه تنها با اقتصاد جهانی هماهنگ ساخت، بلکه آن را بیش از پیش در جهت تأمین خواست‌ها و نیازهای اقتصاد جهانی قرار داد. پیامد چنین روندی، رشد و توسعه اقتصاد سرمایه‌دار پیرامونی در ایران بود. توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران به‌جای اینکه بین بخش‌های گوناگون اقتصادی، هماهنگی و توازن ایجاد کند و آنها را در جهت نیازها و خواست‌های رو به رشد انتظارات مردم جامعه قرار دهد، باعث ناهماهنگی و نامتوازی اقتصاد و از هم گسیختگی عمیق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در داخل کشور شد (سیفالهی، ۱۳۹۰: ۷۱).

تنگناها و محدودیت‌های سیاست‌های توسعه در ایران (قبل و بعد از انقلاب اسلامی):

- وجود موانع ساختاری و مداخله بیش از حد دولت و زورمدارانه بودن و تمرکزگرایی شدید

- آزمون و خطا بودن برنامه‌ها توسعه از بالای اکثر برنامه‌ها

- برون‌گرا و شبه غربی بودن و الگوپذیری از سرمایه‌داری

- اتکای بیش از حد سیاست‌های توسعه‌ای به نفت و تأثیرپذیری از نوسانات قیمت آن

- کنار گذاشتن یکباره برنامه‌های توسعه با اراده و حاکمیت فرا قانون

- عدم همخوانی سیاست‌های توسعه‌ای با واقعیت‌های زندگی روزمره

- غلبه سیاست‌های توسعه پوپولیستی به جای منطقی و منطبق با واقعیت

- نادیده گرفتن نقش سطوح زیرین جامعه و NGOها

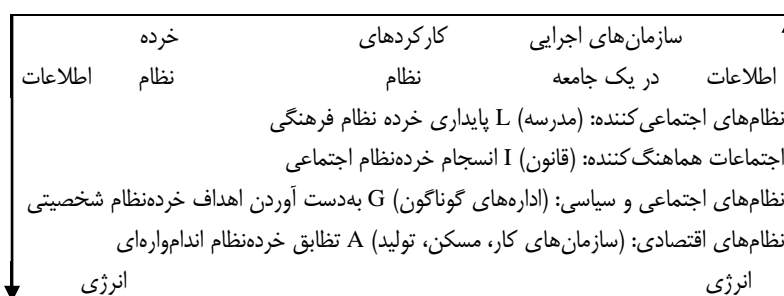
- بخشی‌نگری نگاه برنامه‌ریزی بالا به پایین^۱ (آقازاده، ۱۳۹۴ : ۹).

خطمشی اساسی حکومت‌ها در بسیاری از کشورهای غیرصنعتی و در حال توسعه در دوره پس از جنگ جهانی دوم، توسعه اقتصادی و اجتماعی برنامه‌ریزی شده بود و این به مثابه راهی برای پیشرفت سریع و پرکردن شکاف بین کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته بوده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۷۴). نظریه دولت محوری اهمیت نقش نظام‌های سیاسی در توسعه جوامع را مطرح می‌کند، برخی نظریه پردازان در مکاتب متفاوت توسعه و توسعه نیافتگی نقش‌های متفاوتی برای دولت در زمینه اعمال توسعه و بسترسازی برای آن عنوان کرده‌اند. یکی از نظریات در این حوزه نظریه تقدم دولت است. بر اساس نظریه تقدم دولت درک کنشگران دولتی از منافع خودشان تعیین کننده روابط اقتصادی است که در جامعه متداول می‌شود. دولت در کشورهای در حال توسعه به‌عنوان هویت‌های سیاسی جدا از ملت در نظر گرفته می‌شوند. دولت در کشورهای در حال توسعه نه ابزار سرمایه بین‌المللی و نه بورژوازی بومی هستند بلکه کنشگرانی عاقل هستند که اقتصاد خود را صنعتی می‌کنند. با این حال برخی دیگر از نظریه پردازان مانند وارن معتقدند که دولت در کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند نشان دهند که در اتخاذ مواضع سنگین علیه شرکت های خارجی موجود در قلمرو آنها واکنش‌های شدیدی نشان دهند. کلافاً در زمینه نقش دولت عنوان می‌دارد که دولت در کشورهای در حال توسعه نه پدر مابانه بلکه به سبک پدرمابانه جدید درآمده است به‌شیوه‌ای که بر کل نظام مدیریتی-سیاسی به‌صورت رسمی اقتدار دارند و خطمشی‌های قانونی- حقوقی اتخاذ می‌کنند. آنها بر همه حوزه‌های عمومی و خصوصی جامعه نظارت تام دارند و می‌توانند نقش مهمی در توسعه داخلی کشور داشته باشند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۷۰).

بر اساس سوال پژوهش چگونگی تأثیر ساختار اقتصادی بر توسعه نامتوازن را می‌توان در کنترل منابع تولید و منابع مادی و انسانی که مرتبط با زیرساخت‌های اقتصادی است، با توجه به نظریات جامعه‌شناسی بازاندیشی غرب و سیبرنتیک پارسونز به‌صورت زیر تحلیل نمود: در گفتمان بازاندیشی، توسعه امری در متن فرهنگ و تاریخ تلقی می‌شود. بنابراین فرض قاهریت توسعه، آسیب‌زا و تخریب‌گر قلمداد می‌شود در این اندیشه، توسعه امری

1-Top-Down

اجتماعی و فرهنگی است و از قانون جز تاریخ، باورها، کنش‌ها و رفتارهای فرهنگی مردم تبعیت نمی‌کند فرض اشاعه، تقلید انتقال و اجبار توسعه کاملاً نادرست است و نتیجه‌ای جز تخریب و مخاطره ندارد (عنبری، ۱۳۹۵: ۴۰۵). پارسونز با توسل به نظریه سیبرنتیک می‌گوید میان نظام‌های چندگانه یک جامعه مبادله انرژی و اطلاعات صورت می‌گیرد. به موجب یک اصل بنیادی سیبرنتیک، اجزایی که از لحاظ اطلاعات غنی‌ترند بر اجزایی که انرژی‌شان بیشتر است نظارت (کنترل) اعمال می‌کنند. فرهنگ عرضه‌کننده اطلاعات به خرده‌نظام‌های پایین‌تر بوده و اقتصاد نیز به خرده‌نظام‌های بالاتر از خود انرژی عرضه می‌کند.



به نظر پارسونز «در نظام اجتماعی، تشخیص علیت اجتماعی بسیار پیچیده است، چرا که تمامی نهادها، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی، با هم عمل می‌کنند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند (توسلی، ۱۳۸۲: ۲۴۱).

قدرت به‌عنوان «توانایی‌های متفاوت در کنترل منابع» موجب پیدایش روابط ساختاری و نامتقارن سلطه و فرمانبرداری کنشگران اجتماعی شده است. قدرت به‌طور معمول به‌وسیله سه ابزار کلیدی در نظام‌های اجتماعی به‌وجود می‌آید: کنترل بر منابع مادی، مردم و عقاید در لوای هر یک از ابزارهای قدرت سه ساختار ملازم وجود دارد: اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی. کنترل افراد ممکن است هدف اصلی ساختار سیاسی باشد. تمامی قدرت ساختارهای سیاسی که دولت را شکل می‌دهند از توانایی وضع قوانین و اعمال زور ناشی نمی‌شود، چرا که هم‌چنین منابع مادی را از طریق عایدی مالیات، مالکیت دولتی برخی تشکیلات اقتصادی، بازرگانی و جز این‌ها کنترل می‌کنند. کنترل عقاید یا دانش به وسیله

ساختارهای ایدئولوژیک انجام می‌گیرد و در عین حال ابزاری برای حفظ قدرت در محدوده‌های دیگر نیز هست مانند دستیابی به دانش فنی خاص در ساختار اقتصادی و قدرت‌هایی که اطلاعات را در درون دولت جمع‌آوری می‌کنند. این قواعد رسمی و غیررسمی است که با یکدیگر ماهیت و میزان نابرابری را در جامعه مشخص می‌کنند و نشان می‌دهند که بنیان‌های اجتماعی نابرابری چه خواهد بود و هر کدام تا چه اندازه اهمیت دارد (گرب، ۲۰۰۹: ۱۲۲۸-۲۲۳). رویکرد دولت محوری عملکرد و کنش‌های سیاسی دولت را عامل مهمی در توسعه جوامع به عنوان یک عامل داخلی می‌دانند. دولت می‌تواند در شیوه تقسیم منابع ثروت و قدرت در قالب برنامه ریزی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دخالت داشته باشد. از طرف دیگر می‌تواند بر چگونگی ورود شیوه‌های نوین تولید و چگونگی آمیزش آنها، ابعاد سازنده و مخرب توسعه، و حتی بسترهای تاریخی و مسیرهای متفاوت توسعه نیز از طریق اعمال قدرت و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی اثرگذار باشد.

به‌طور اجمال از دیدگاه نظریه سیستمی و نظریه تالکوت پارسونز و هم‌چنین دیدگاه گرب مبنی بر تأثیر ساختارها بر خرده نظام اجتماعی، خرده نظام سیاسی، خرده نظام فرهنگی و خرده نظام اقتصادی می‌توان توسعه‌نیافتگی را تبیین نمود. از دیدگاه سیستمی، ناکارآمدی هر کدام از زیر سیستم‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند موجبات ناکارآمدی کل سیستم را فراهم نماید. از رویکرد پارسونزی خطرناک‌ترین آفت و آسیب مبتلا به یک سیستم عارضه‌ای است که به عنوان مداخله کردن و تفکیک‌زدایی در کار ویژه و کارکردی هر کدام از خرده‌نظام‌های زیرمجموعه سیستم است و همین عارضه به تنهایی کفایت تا کل سیستم را دچار فروپاشی نماید. از دیدگاه گرب که مبنی بر ساختار قدرت، سلطه و نابرابری مطرح شده است تأثیر خرده نظام‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر یکدیگر و تأثیرپذیری از ساختار قدرت و ایدئولوژی در جامعه مطرح شده است. ناکارآمدی ایدئولوژی حاکم بر جامعه موجبات ناکارآمدی ساختار قدرت و در نتیجه ناکارآمدی ساختار خرده‌نظام‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به دنبال خواهد داشت و عدم توازن و تعادل در میان ساختارها و خرده نظام‌ها باعث توسعه نامتوازن می‌گردد. رویکرد دولت محوری نیز که به‌عنوان نظریه‌ای مکمل ارائه شده است، عملکرد و کنش‌های سیاسی دولت

را عاملی مهم در توسعه جوامع به‌عنوان یک عامل داخلی می‌داند. دولت می‌تواند در شیوه تقسیم منابع ثروت و قدرت در قالب برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دخالت مستقیم و غیرمستقیم داشته باشد. از طرف دیگر می‌تواند بر چگونگی ورود شیوه‌های نوین تولید و چگونگی آمیزش آنها، ابعاد سازنده و مخرب توسعه، و حتی بسترهای تاریخی و مسیرهای متفاوت توسعه نیز از طریق اعمال قدرت و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی تأثیر داشته باشد. نامتعادل بودن سیستم‌ها و خرده‌نظام‌ها روی یکدیگر تأثیر متقابل داشته و عدم توسعه را به همراه خواهد داشت و تضعیف خرده نظام‌ها دقیقاً آفتی است که موجبات فروپاشی سیستم را فراهم می‌نماید.

پیشینه تحقیق

نوبخت (۱۳۸۸) در مطالعه ای تحت عنوان "کارکردهای الگوی توسعه" بیان می‌کند که با توجه به اینکه توسعه یافتگی و استقرار در جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری منطقه به‌عنوان یک هدف ملی در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است، هنوز الگوی بومی متناسب با مقتضیات تاریخی، جغرافیای و فرهنگی کشور برای توسعه طراحی نشده است. نتیجه‌گیری می‌شود که با عنایت به تحلیل محیط‌های داخلی و خارجی ایران و آگاهی از نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها، تلفیق راهبردهای تولید رقابتی، عدالت‌گرا و اقتصادباز مناسب‌ترین راهبرد برای توسعه در شرایط کنونی کشور خواهد بود.

دلاوری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تأثیر آن در توسعه" به بررسی عملکرد می‌پردازد. در این مقاله بیان می‌شود که هدف - اقتصادی مناطق سه‌گانه کیش قشم و چابهار طی دوره زمانی (۱۳۸۳-۱۳۷۲) از ایجاد و توسعه این مناطق آزاد افزایش و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال تکنولوژی و افزایش درآمدهای عمومی، افزایش درآمد ناشی از توریسم و ارتقای جایگاه اقتصادی کشور و بهره‌وری از اقتصاد رقابتی است. بررسی‌ها نشان داده است در مجموع مناطق آزاد سه‌گانه برغم داشتن زمینه‌ها و توان بالقوه برای توسعه و پیشرفت به دلیل ضعف امکانات و تأسیسات زیربنایی و ناکافی بودن منابع تأمین درآمدها، بی‌ثباتی سیاسی و فقدان

جایگاه تعریف شده در برنامه‌های کلان و راهبردهای توسعه اقتصادی کشور، نتوانسته‌اند، عملکرد موفق‌تری ارائه نمایند.

کریستال ترمبلی^۱ در سال ۲۰۰۹ مقاله "پیشرفت اقتصاد اجتماعی جهت توسعه اجتماعی-اقتصاد"، مفاهیم و چارچوب‌های اقتصاد اجتماعی تابع توجه فزاینده تحلیل آکادمیک، سیاست عمومی توسط دولت‌ها، و کنش مشارکتی توسط جنبش‌های جامعه مدنی، هم در کانادا و هم به شکل بین‌المللی، بوده‌اند. توجه روبه رشد به مفهوم اقتصاد اجتماعی (SE) نشان‌دهنده تلاش برای بررسی مباحث زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی مربوطه داخلی می‌باشد که بر توسعه پایدار مردم، جوامع و ملت‌ها و ماهیت وابسته به داخل توسعه بشری جهانی اثر می‌گذارد. هدف دستیابی به اطلاعاتی درباره روش‌های ایجادکننده ابزارهای سیاست نوین توسط دولت‌هاست. ابزارهایی که اقتصاد اجتماعی را در پاسخ به چالش‌هایی از قبیل فقر، محرومیت اجتماعی، عدم تساوی درآمد، افول شهرنشینی، بیکاری، تنزل زیست‌محیطی و بوم‌شناسی و پایداری جامعه تقویت می‌کنند. یافته‌ها بر مقوله‌ها و مثال‌های مربوط به ابزار سیاست و برنامه‌های به کار رفته توسط دولت‌ها و جامعه مدنی در حوزه‌های مختلف از نظر بین‌المللی تأکید می‌کند.

ژوزف استگلنیتز^۲ در سال ۲۰۰۲ در مقاله مشارکت و توسعه و چشم‌اندازهای به دست آمده از پارادایم جامع توسعه رابطه میان توسعه اقتصادی و اجتماعی را بررسی می‌کند. مخالف با دیدگاه افرادی که به وجود مبادله میان دموکراسی و رشد معتقد هستند، این مقاله ادعا می‌کند که دستیابی به اجماع، گفت‌وگوی آزاد و ارتقای جامعه مدنی فعال مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار بلندمدت هستند.

پرسش پژوهش

ساختار اقتصادی چگونه بر فقدان توازن توسعه در استان کردستان تأثیرگذار بوده است؟

1-Cristal Trembly

در این قسمت به طور خلاصه به تحلیل با استفاده از تئوری‌های جامعه‌شناسی که در بالا آمده می‌پردازیم نه در کردستان که در ایران نگاه به امر توسعه به عنوان عاملی آسیب‌زا و تخریب‌گر است بر اساس نگاه بازاندیشی که گرب معتقد است و همچنین گیدنز که توسعه و مدرنیزاسیون مانند اربابه‌ای است که در مسیر حرکت خود همه چیز را نابود می‌کند. مجریان و سیاستگذاران نگاه مثبتی به امر توسعه ندارند، ایدئولوژی امریست که فرایند توسعه از سیاستگذاری تا اجرا را کنترل کرده و مداخله‌های بازدارنده در روند توسعه دارد اگر چنان که پارسونز معتقد است رویکردهای محافظه کار با ابزار ایدئولوژی روند توسعه را کنترل می‌کنند. برنامه‌های توسعه به‌طور ناکامل و بخشی به اجرا درمی‌آید و همچنین بیشترین سرمایه‌ها به دلیل شرایط خاص در راستای تقویت قوای نظامی صرف می‌شود تا توسعه‌ای پایدار و همه‌جانبه. همچنین رویکرد تمرکزگرا هم در کل کشور و هم در درون استان توسعه را به صورت نامتوازن اجرایی می‌کند و نتیجه این فرایند این است که برخی مراکز توسعه یافته‌تر و برخی عقب‌مانده و از روند توسعه محروم می‌مانند این در سطح استان مورد بررسی که کردستان است نیز صادق است.

روش شناسی پژوهش

در این مقاله روش پژوهش، استفاده شده تلفیقی از دو روش کیفی و کمی است.

روش کمی (روش مقایسه)

در بخش کمی روش مورد استفاده، تحلیل مقایسه‌ای بر اساس آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶ است که بر اساس شاخصهای توسعه اقتصادی، رتبه استان در هر شاخص که توسط بانک جهانی و سازمان ملل متحد معیاری برای میزان توسعه است، تعیین شده است. در گزارش توسعه اجتماعی سال ۲۰۰۶ همچنین از سوی سازمان ملل متحد، مطالعه‌ای در باب شاخص توسعه، با در نظر گرفتن شش بعد اصلی توسعه صورت پذیرفته است که تلاشی در جهت ایجاد یک شاخص مرکب به شمار می‌رود که در آن شاخص‌های دموگرافیک، شاخص‌های مربوط به سلامت، دسترسی به امکانات آموزشی، سازگاری‌های

زیر بنایی، محرومیت اقتصادی و اجتماعی مد نظر قرار گرفته‌اند. این شاخص‌ها به صورت جداگانه برای هر کشور در نظر گرفته شده‌اند.

شاخص محرومیت اقتصادی: (۱) نرخ بیکاری (۲) نسبت جینی بر هر خرج کرد مصرفی سرمایه‌ای بر این اساس استفاده از این شاخص‌ها مبنایی برای قابلیت اعتبار (روایی) داده‌های کمی تحقیق حاضر می‌باشد.

توسعه و رشد اقتصادی فرآیندی بلندمدت و حاصل برهمکنش پارامترهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در طول چند دهه می‌باشد. اولین مرحله تعیین استراتژی شناخت واقع‌بینانه وضعیت تولید کشور است. در روش کمی با مقایسه درآمد سرانه، میزان تولید ناخالص داخلی استان و درصد بیکاری و مقایسه این آمار با میانگین کشوری جایگاه استان تعیین گردیده است.

محصول ناخالص تولیدی استان و سرانه آن در سال ۹۴ به ترتیب برابر ۴۸۴/۶۵ و ۳۶۰، ۱۱۶ و ۷۳/۶۴ میلیون ریال بوده است. استان کردستان با سهم ۰/۸۵ درصدی از تولید کل کشور در رتبه ۲۶ ام قرار دارد. رتبه ۳۰ ام استان از نظر شاخص محصول ناخالص داخلی سرانه، نشان از وضعیت نامناسب تولید در این استان می‌باشد (گزارش اقتصادی، ۱۳۹۷: ۱۵۳). هم‌چنین منبع تمام جداول این بخش مرکز آمار ایران بخش کارشناسی سال ۱۳۹۷ می‌باشد.

جدول شماره ۱: وضعیت محصول ناخالص داخلی (بانفت) استان در سال ۱۳۹۴ (میلیون ریال/ درصد)

۱۳۹۴			۱۳۹۴	۱۳۹۳	عنوان
رتبه در کشور	سهم نسبی در کشور	رشد نسبت به سال قبل			
۲۶	۰/۹۴	۶/۶۵	۱۱۶.۳۶۰.۴۸۴/۶۵	۱۰۹.۱۰۴.۱۵۳/۴۵	محصول ناخالص تولیدی (بانفت) به قیمت جاری
۳۰	-	۵/۰۹	۷۳/۶۴	۷۰/۰۷	محصول ناخالص داخلی سرانه (بانفت) به قیمت جاری

کل ارزش افزوده استان ۱۱۶،۰۰۱،۰۱۵/۷۰ میلیون ریال بوده و در رتبه ۲۶ ام کشور قرار گرفته است. بخش خدمات با ۶۶/۸۷ درصد بیشترین سهم و بعد از آن بخش‌های کشاورزی و صنعت به ترتیب با سهم‌های ۱۹/۶۹ و ۱۳/۴۵ درصدی از کل تولید استان قرار دارند. ارزش افزوده بخش خدمات و کشاورزی ۱۰/۵۵ و ۴/۱۸ درصد رشد داشته‌اند ولی بخش صنعت رشد منفی برابر ۸/۷۰- درصد را تجربه کرده که این رشد منفی مربوط به دو زیر بخش استخراج معدن و ساختمان و ناشی از رکود حاکم بر آن‌ها بوده است. در مقایسه با سهم جمعیتی ۲ درصدی استان در این سال، سهم بخش صنعت استان در کشور بسیار پایین بوده است. (گزارش اقتصادی، ۱۳۹۷: ۱۵۴).

جدول شماره ۴: ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی استان در سال ۱۳۹۴ (میلیون ریال/درصد)

عنوان	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۴		رتبه در کشور
			رشد	سهم از تولید استان	
کشاورزی بخش صنعت، معدن، ساختمان و انرژی	۲۱،۹۱۹،۳۶۹/۱۵	۲۲،۸۳۵،۷۴۸/۳۸	۴/۱۸	۱۹/۶۹	۲۳
خدمات	۷۰،۱۶۰،۹۴۹/۱۲	۷۷،۵۶۴،۳۳۸/۹۷	۱۰/۵۵	۶۶/۸۷	۲۳
مجموع	۱۰۹،۱۶۷،۶۲۱/۱۴	۱۱۶،۰۰۱،۰۱۵/۷۰	۶/۲۶	-	۲۶

سهم ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی استان در سال ۱۳۹۴ (درصد) از مجموع کل مصرف واسطه استان در سال ۱۳۹۴ بخش صنعت با ۲۵،۲۳۵،۹۹۰/۷۱ میلیون ریال بیشترین مصرف واسطه و بعد از آن بخش‌های خدمات و کشاورزی با ۲۰،۱۵۸،۱۸۶/۰۴ و ۱۵،۶۱۴،۶۴۰/۱۵ میلیون ریال قرار دارند.

جدول شماره ۳: مصرف واسطه بخش‌های مختلف اقتصادی در سال ۱۳۹۴ (میلیون ریال / درصد)

عنوان	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۴		
			رشد	سهم از مصرف واسطه استان	نسبی رتبه در کشور
کشاورزی	۱۵,۶۵۵,۶۳۷/۶۴	۱۵,۶۱۴,۶۴۰/۱۵	۰/۳۹	۲۵/۶	۱/۷۶
بخش صنعت، معدن، ساختمان و انرژی	۲۷,۸۳۶,۹۸۳/۶۹	۲۵,۲۳۵,۹۹۰/۷۱	-۹/۳۴	۴۱/۴	۰/۴۶
خدمات	۱۷,۸۰۴,۹۷۷/۲۵	۲۰,۱۵۸,۱۸۶/۰۴	۱۳/۲۲	۳۳/۰	۱/۰۸
مجموع	۶۱,۰۹۵,۵۹۸/۵۸	۶۱,۰۰۸,۸۱۶/۸۹	-۰/۳۱	-	۰/۷۵

مجموع ارزش افزوده و مصرف واسطه را ستانده گویند. مجموع ستانده استان در سال ۱۳۹۴ برابر ۱۷۷,۰۰۹,۸۳۲/۵۹ میلیارد ریال بوده که نسبت به سال قبل رشد ۳/۹۰ درصدی داشته است. رشد ستانده بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب برابر ۲/۶۱ و ۹/۱۰- و ۱۱/۰۹ درصد بوده است (گزارش اقتصادی، ۱۳۹۷: ۱۵۵).

جدول شماره ۴: ستانده بخش‌های مختلف اقتصادی در سال ۱۳۹۴ (میلیون ریال / درصد)

عنوان	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۴		
			رشد	سهم از ستانده استان	نسبی رتبه در کشور
کشاورزی	۳۷,۴۷۳,۰۰۶/۷۹	۳۸,۴۵۰,۳۸۸/۵۳	۲/۶۱	۲۱/۷	۱/۸۶
بخش صنعت، معدن، ساختمان و انرژی	۴۴,۹۲۴,۷۴۱/۵۷	۴۰,۸۳۶,۹۱۹/۰۵	-۹/۱۰	۲۳/۱	۰/۴۰
خدمات	۸۷,۹۶۵,۴۷۱/۱۳۷	۹۷,۷۲۲,۵۲۵/۰۱	۱۱/۰۹	۵۵/۲	۱/۱۹
مجموع	۱۷۰,۳۶۳,۱۲۱۹/۷۲	۱۷۷,۰۰۹,۸۳۲/۵۹	۳/۹۰	-	۰/۸۷

سهم تولید کل بخش صنعت استان ۰/۳۲ درصد از کل ارزش افزوده بخش صنعت کشور بوده که در رتبه ۳۰ قرار داشته است. همچنین سهم تولید صنعت از محصول ناخالص داخلی استان ۱۳/۴۵ درصد بوده که سهم اشتغال ۲۴/۴۰ درصدی را در برداشته است. صنعت استان به نسبت سایر بخش‌های جمعیت استان سهم بسیار پایینی در کشور دارد.

یکی از ابزارهای متعارف بررسی توزیع امکانات معیشتی بین گروه‌های مختلف جامعه، بررسی سهم این گروه‌ها از هزینه‌ها یا درآمدهاست. بر اساس آخرین آمار منتشره در سالنامه آماری سال ۱۳۹۶ استان کردستان، متوسط هزینه ناخالص سالانه و متوسط درآمد ناخالص سالانه یک خانوار شهری به ترتیب حدود ۲۳۷،۴۶۱ هزار ریال و ۲۴۸،۹۵۶ هزار ریال بوده که نسبت به سال قبل به ترتیب ۱۰/۳۳ درصد و ۱۲/۲۴ درصد افزایش داشته است. همچنین متوسط هزینه ناخالص سالانه و متوسط درآمد ناخالص سالانه یک خانوار روستایی به ترتیب حدود ۱۶۸،۰۴۱ هزار ریال و ۱۷۳،۱۵۸ هزار ریال بوده که نسبت به سال قبل به ترتیب ۳/۷۸ درصد و ۹/۰۸ درصد افزایش داشته است (گزارش اقتصادی، ۱۳۹۷: ۱۵۵).

شاخص جینی یا ضریب جینی شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان مردم است. بالا بودن این ضریب در یک جامعه معمولاً به عنوان شاخصی از بالا بودن اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمدی در آن در نظر گرفته می‌شود. از شاخص جینی برای مقایسه توزیع درآمد در نواحی جغرافیایی استفاده می‌شود. ضریب جینی مناطق شهری کشور در سال ۱۳۹۶ برابر ۰/۳۷۹ بوده که در استان کردستان کم‌تر از این مقدار و ۰/۲۷۶ است و بر اساس این شاخص نشان از برابری توزیع درآمد شهری استان نسبت به کشور را دارد. در سطح روستایی نیز همین وضعیت وجود دارد. توزیع درآمد استان نسبت به کشور برابرتر می‌باشد. علاوه بر این تغییرات ضریب جینی استان در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵ روند افزایشی داشته است و این خود عدم بهبود توزیع درآمد را نشان می‌دهد. پایین بودن ضریب جینی در نقاط روستایی نسبت به شهری در کشور و استان کردستان نشانگر وضعیت بهتر توزیع درآمد در روستا نسبت به شهر است (گزارش اقتصادی، ۱۳۹۷: ۱۶۲).

جدول شماره ۵: شاخص ضریب جینی در استان و کشور

عنوان	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
کل کشور	۰/۳۷۹	۰/۳۸۵	۰/۳۹۰	۰/۳۹۸
کل کشور شهری	۰/۳۶۱	۰/۳۶۸	۰/۳۷۳	۰/۳۷۹
کل کشور روستایی	۰/۳۴	۰/۳۴	۰/۳۳۶	۰/۳۵۶
ضریب جینی مناطق شهری استان کردستان	۰/۳۱۰	۰/۲۹۵	۰/۲۶۳	۰/۲۷۶
ضریب جینی مناطق روستایی استان کردستان	۰/۲۸	۰/۲۶	۰	۰/۲۵۰

جایگاه استان کردستان بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۹۵، در زمینه آزراده‌ها رتبه ۲۷، وجود بزرگراه رتبه ۲۵، تعداد کارگاه‌های دارای ۵۰ نفر کارکن و بیشتر رتبه ۲۹، درآمد سرانه رتبه‌ی ۲۹، سهم بخش صنعت و معدن رتبه ۲۷ و سهم از اقتصاد ملی رتبه ۲۵ و ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی رتبه ۲۹، نرخ بیکاری رتبه ۲۵، نرخ بیکاری روستایی رتبه ۲۹، نرخ بیکاری جمعیت ۲۴ تا ۲۵ سال رتبه ۲۷، تعداد شرکت‌های تعاونی رتبه ۲۳. استان کردستان با سهم ۰/۸۵ درصدی از تولید کل کشور در رتبه ۲۶ ام قرار دارد. استان رتبه ۳۰ ام از نظر شاخص محصول ناخالص داخلی سرانه را به خود اختصاص داده است. میانگین کل رتبه ۲۷ با توجه به شاخص‌های مرکز آمار ایران گویای توسعه نامتوازن استان کردستان است.

روش کیفی (روش تحلیل محتوا)

در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا به تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با ۳۰ نفر از صاحب نظران که شامل (اساتید دانشگاه، نمایندگان مجلس و مدیران) استان کردستان بوده پرداختیم. به این صورت که با استفاده از پرسش‌های کیفی ساختار نیافته و باز از ۱۵ نفر مدیران اجرایی استانی و ملی هفت نماینده مجلس در سطح استان و ۸ نفر از اساتید هیئت علمی و نخبگان حاضر در دانشگاه‌های استان به گردآوری اطلاعات و کدگذاری تا اشباع یا تکرار مقولات پرداختیم. برای تحلیل مصاحبه‌ها از نرم افزار کیفی مکس کیو دی ای ۱۰ استفاده شده است؛ به کمک نرم افزار، نظریات مرتبط و چهارچوب مفهومی و همچنین

ادبیات تحقیق و پیشینه تحقیق کدگذاری مصاحبه ها انجام شد نتایج تحلیل ها در قالب نقشه مکس کیودی ای ترسیم شد.

اعتبار و پایایی: در این پژوهش ابزار توافق بین کدگذاران در نرم افزار مکس کیودی ای که امکان مقایسه کدگذاری دو فرد را به وجود می آورد که مستقل از یکدیگر سند مشابهی را کدگذاری می کنند استفاده شده است که محل انطباق و عدم انطباق بخش های کدگذاری شده توسط دو محقق را برجسته می سازد. در نتیجه سطح معینی از پایایی بدست خواهد آمد در این پژوهش با کمک این ابزار محقق به سوی موارد اختلاف به بحث و تبادل نظر با کارشناسان و صاحب نظران پرداخته و مورد توافق ترین گزینه ها را انتخاب کرده تا بر پایایی کدگذاری افزوده شود درصد محاسبه شده توسط نرم افزار بالای ۷۰ درصد توافق را نشان می دهد که نشان از پایایی و توافق بین کدگذاران است. بر این اساس ۹۰۶ کد، ۴۹۶ کد مختص مصاحبه مدیران، ۲۰۸ کد مختص مصاحبه نخبگان و اساتید دانشگاه و ۲۰۲ کد مختص نمایندگان مجلس در نظر گرفته شد و مقوله بندی، مفهوم سازی صورت گرفت.

در مفهوم توسعه اقتصادی، اکثر صاحب نظران به سیاست های دولت که متأثر بر ساختار قدرت و ایدئولوژی است و از توسعه اثر پذیرفته است توسعه نامتوازن عوامل زیر را در منطقه ایجاد نموده عواملی مانند ضعف سرمایه گذاری دولت، کمبود امکانات، ضعف سرمایه گذاری بخش خصوصی به دلیل حمایت اندک بخش دولتی، درآمد سرانه پائین، صنایع تبدیلی ضعیف، وجود اقتصاد رانتهی، ضعف تمایل به تولید، ضعف سیاست گذاری در حوزه اقتصاد، قوانین دست و پاگیر در حوزه سرمایه گذاری، ایجاد ارزش افزوده اندک، ضعف زیر ساخت، ضعف صنعت، تعداد کارگاه های تولیدی بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر انگشت شمار در مصاحبه ها اشاره شده که در واقع تمرکزگرایی تبعیض و فقدان مشارکت و سرمایه گذاری به توسعه نامتوازن دامن زده است.

جدول شماره ۶: تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دی ای (داده‌های کیفی)

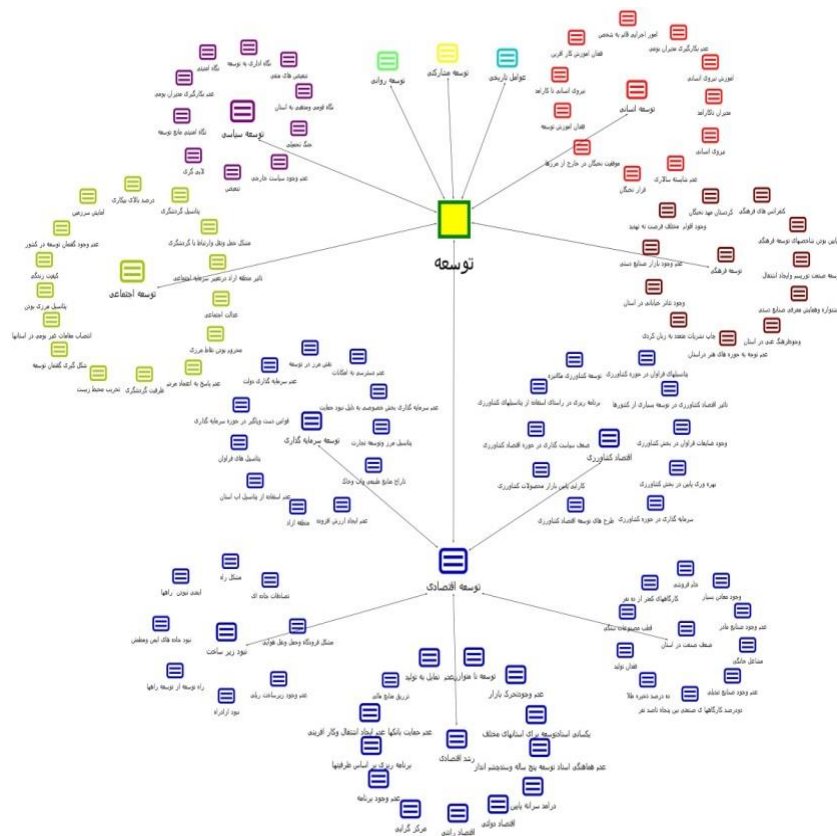
منطق نظری	مقوله اصلی	مقوله جزئی	مفهوم	عبارت
	عدم توازن سرمایه گذاری بین مناطق مختلف کشور	نیاز به توسعه سرمایه گذاری	سرمایه گذاری در حوزه زیرساخت‌ها	راه توسعه از توسعه راه‌ها می‌گذرد
	مرکز گرایی در توزیع امکانات	نیاز به توسعه سرمایه گذاری	سرمایه گذاری ناکافی دولت	دولت باید در کردستان سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی کند
توسعه	تبعیض بین مناطق مختلف	نیاز به توسعه سرمایه گذاری	دسترسی ضعیف به امکانات	توسعه در استان‌های برخوردار از امکانات مانند یزد، اصفهان، خراسان رضوی و ... اتفاق می‌افتد؛ چرا که این استان‌ها زودتر از استان‌های کردستان، سیستان، لرستان و ... به امکانات دسترسی می‌یابند.
	تفاوت منطقه ایی و توزیع نامناسب خدمات	نیاز به توسعه سرمایه گذاری	سرمایه گذاری ناچیز بخش خصوصی به دلیل ضعف حمایت دولت	عقب‌نشینی بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در مناطق کم‌برخوردار مانند کردستان است
(محروریت اقتصادی در استان)	(توسعه اقتصادی از ابعاد توسعه وضعف در هر بعد مسبب توسعه‌ای نامتوازن)	شاخص رشد اقتصادی	درآمد سرانه پایین	درآمد سرانه کم
	ضعف و کمبود در توزیع متوازن صنعت	ضعف صنعت	صنایع تبدیلی اندک	نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی و در نتیجه ارزش افزوده بیشتر نمی‌توانیم ایجاد کنیم

ادامه جدول شماره ۶:

منطق نظری	مقوله اصلی	مقوله جزئی	مفهوم	عبارت
نا کارآمدی قانون در اجرای سیاست-	ضعف اقتصادی	ضعف اقتصادی	اقتصاد رانتی	یک سری افراد ناکارآمد با استفاده از رانت به جای تولیدکننده فعال هستند
محرومیت اقتصادی	ضعف در سرمایه‌گذاری	تمایل ناچیز به تولید		انگیزه تولید ایجاد نمی‌گردد
ضعف و کمبود در توزیع متوازن صنعت	ضعف صنعت	ها ی صنعتی بین پنجاه تا صد نفر	دو درصد کارگاه-	دو درصد صنایع ما برای ۵۰ تا ۱۰۰ نفر اشتغال ایجاد کرده‌اند
تبعیض و نابرابری اجتماعی	شاخص‌های توسعه اقتصادی	نرخ بالای بیکاری		رتبه استان در حوزه بیکاری ۲۹ کشور
تبعیض و نابرابری اجتماعی	کیفیت زندگی	درصد بالای بیکاری		حداقل ۳۷ درصد از جوانان ما در استان کردستان بیکار هستند
تبعیض و نابرابری اجتماعی	فرصت‌های اجتماعی	محروم بودن نقاط مرزی		محروم‌ترین بخش‌های کشور، نقاط مرزی هستند

نقشه مکس کیو دی‌ای

با استفاده از مدل‌سازی نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای ابعاد توسعه در رده اول و دسته‌بندی مسائل بعدی و مفهومی‌ها قابل ملاحظه می‌باشند.



پاسخ به پرسش پژوهش

پرسش مطرح شده در این پژوهش که بر گرفته از چارچوب مفهومی با توجه به (نظریه پارسونز و گرب و میانی همچون تئوری دولت محوری) که بر تاثیر نقش ساختار قدرت بر کنترل منابع مادی تولید و منابع انسانی، تأثیر خرده‌نظام اقتصادی بر توسعه‌نیافتگی است؛ نگارنده بر این اساس به تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از پژوهش پرداخت. بر اساس نتایج بدست آمده، سؤالی که بر تحلیل مقایسه‌ای آمار مرکز آمار ایران و در مقایسه‌های تطبیقی جایگاه استان کردستان با دیگر استان‌ها بر اساس شاخص‌های توسعه مطرح شده در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در اکثر شاخص‌ها استان کردستان رتبه‌های

آخر را به خود اختصاص داده است. در حوزه‌های صنعت و شاخص‌های توسعه اقتصادی استان کردستان در زمره آخرین استان‌های کشور است. ضعف زیرساخت‌ها و تعداد اندک صنایع مادر ضرورت برنامه‌ریزی در سیاست‌های تعریف شده توسط دولت جهت محرومیت‌زدایی از مناطق مختلف کشور را مشخص می‌نماید. تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی‌ها و توجه ناکافی به دیگر مناطق از موانع دسترسی به توسعه پایدار و همه‌جانبه است. البته نگاه سلیقه‌ای و منفی به برخی جوانب توسعه چه در تئوری و چه در عمل به ضعف در بخش‌های مورد بحث دامن می‌زند. نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی به ستانده بخش کشاورزی ایجاد اشتغال و امکان کسب درآمد از یکسو و افزایش محصولات بخش کشاورزی با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی و نیروی کار آماده توجه بیشتر به بخش کشاورزی و صنعت استان را می‌طلبد.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از محوری‌ترین مفاهیم در بخش توسعه با تمام ابعاد و شاخصها مفهوم مشارکت است. مشارکت در توسعه اقتصادی با حضور بخش خصوصی در بازار و فعالیت‌های اقتصادی میسر می‌گردد در بخش اجتماعی و سیاسی تقویت مشارکت جامعه مدنی و احزاب و بازی آنها در فضای اجتماعی و سیاسی بستر را برای توسعه در این بخش‌ها فراهم می‌کند و مشارکت مردم جامعه مدنی و دولت به همراه هم در حفظ و حراست از محیط زیست توسعه پایدار را محقق می‌کند. از دیدگاه متفکرین مکتب تضاد یعنی مارکسیست‌ها که بیشترین نقش را به بخش اقتصادی می‌دهند به بحث تبعیض و نابرابری تاکید می‌کنند، کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دستاوردها و امکانات جامعه یکی از معیارهای اساسی توسعه به‌شمار می‌رود. تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی‌ها و عدم توجه به دیگر مناطق از موانع دسترسی به توسعه پایدار و همه‌جانبه است. یکی از آسیب‌هایی که سیاستگذاران در بخش توسعه به آن توجه نمی‌کنند تمرکزگرایی و وجود تبعیض در اختصاص و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در بخش‌های مختلف است که به توسعه نامتوازن دامن می‌زند به همین دلیل است که برخی بخش‌ها توسعه یافته‌تر و برخی اصطلاحاً توسعه نیافته مورد خطاب قرار می‌گیرند بررسی وضعیت موجود استان نشان می‌دهد که اقتصاد استان از ظرفیت‌های خوبی جهت رشد

برخوردار است. از مهم‌ترین موانع بالفعل نشدن ظرفیت‌های استان کمبود سرمایه است. اصلی‌ترین منبع تامین سرمایه در ایران تاکنون منابع بودجه کشور و در نتیجه دولت بوده که این استان به‌عنوان یک استان توسعه‌نیافته در مقایسه با برخی استان‌ها از آن محروم بوده است. در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران و به تبع آن استان کردستان، مشکلات متعددی در راه جمع‌آوری و هدایت پس‌انداز به سمت سرمایه‌گذاری وجود دارد. راه‌هایی برای افزایش انگیزه پس‌انداز می‌توان در نظر گرفت که عبارتند از: تقویت فرصت‌های سرمایه‌گذاری خرد همراه با تبلیغ آثار مثبت آن در اقتصاد خانواده، همچون تقویت بازار بورس اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری در این بازار، که مهم‌ترین بخش بازار سرمایه کشور را شکل می‌دهد. اگر مدیران محلی در اجرای سیاست‌های خرد اقتصادی نقش اساسی داشته باشند می‌تواند انعطاف و قدرت مانور استان‌ها را بالا ببرد. لازمه این امر انتصاب مدیران متخصص و متعهد است که زمینه هرچه بیشتر توسعه را فراهم سازند. منطقه مورد بحث نگارنده در این پژوهش استان کردستان است که یکی از مناطقی است که توسعه نامتوازن از ویژگی‌های آن است و در این مجال نگارنده با استعانت از پاسخ‌هایی که به پرسش‌ها داده شده و جایگاه استان در شاخص‌های توسعه‌ای به تحلیل وضعیت این استان می‌پردازد در آماری که در سطور پایین آمده نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که ایران سی و یک استان دارد و کردستان به طور میانگین در جایگاه ۲۷ قرار دارد. آمارها این پرسش را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند که چرا با وجود ظرفیت‌های بالای طبیعی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی وضعیت استان اینگونه است؟ ساده‌ترین پاسخی که به چرایی این وضعیت می‌توان داد محافظه‌کاری مجریان امر توسعه در استان کردستان و مداخله‌گری ایدئولوژی در روند توسعه استان می‌باشد تبعیضی که در کشور در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و توسعه‌ای وجود دارد، ریشه در نادیده گرفتن ظرفیت‌های بالای فرهنگی اقوام و نگاه امنیتی آسیب‌زای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به این منطقه که البته ریشه در اتفاقات دهه‌های اول انقلاب اسلامی دارد است و همچنین این نظر تبعیض‌آمیز در بین قانون‌گذاران و مجریان و برنامه‌ریزان که سایر مذاهب و فرقه‌ها نسبت به مذهب رسمی کشور در جایگاهی نازل‌تر قرار دارد شایان ذکر است پس از انقلاب اسلامی گروه‌هایی با انگیزه تجزیه‌طلبی در این منطقه برخاست و در دهه‌های شصت و هفتاد به موازات جنگ

تحمیلی مشکلات بسیار برای مردم و منطقه ایجاد نمود مشکلاتی که دولت مرکزی را بر آن داشت که نگاه امنیتی شدید بر منطقه داشته باشد. فروکش کردن تب این انگیزه‌ها در دهه‌های اخیر متأسفانه موجب نشده نگاه امنیتی مجریان سیاستمداران و برنامه‌ریزان به این منطقه کاهش یابد جنگ و مسائلی که در سطور پیشین آمد خود باعث فرار سرمایه و حتی فرار مغزها از این مناطق شد، در قانون اساسی آمده که حقوق اقلیت‌ها و سایر مذاهب باید استیفا گردد، اما در عمل مردم این منطقه که عمدتاً از مسلمانان اهل تسنن هستند با تبعیض در تصمیم‌سازی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در بخش‌های مختلف توسعه مواجه می‌باشد پس بی‌توجهی به ظرفیت‌های فرهنگی و تبعیض به دلایل قومیتی و مذهبی خود ریشه بسیاری از عقب‌ماندگی‌ها و کاستی‌هاست متفکری به نام ویلیام اسچر در کتاب تغییر فرهنگی و مقاومت در سال ۲۰۱۰ در دانشگاه سوکا در آمریکا به توسعه صلح‌آمیز و انسانی اختصاص یافته به این مسئله می‌پردازند که جوامع چگونه با چالش افزایش توسعه و فرهنگ برای افزایش کرامت انسانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. همان‌طوری که پایداری جنبه‌های چندگانه توسعه، مسئله اصلی توسعه است و با توجه به تحقیقات پیشین نوبخت و همکاران رضوی ۱۳۹۰ و احمدی ۱۳۹۳ همچنین اطلاعات و داده‌های به‌دست آمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده اکثر صاحب نظران معتقدند سیاست‌های دولت بر ساختار قدرت و ایدئولوژی اثرگذار بوده، علاوه بر این تاثیر سیاست‌ها بر نقش فرهنگ و برنامه‌ریزی نیز مورد تأکید آنها است، این عوامل بر مشارکت اجتماعی، دسترسی به امکانات، انسجام و همبستگی، رفتار کنشگران در حوزه اقتصاد، فرهنگ، سیاست و... تاثیرگذار است. اگر کشوری در مسیر تحولات مثبت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حرکت کند در واقع از کانون‌های عقلایی قدرت بهره‌مند است که از اهمیت بسیار برخوردار است. به بیان دیگر توسعه‌ای که در چنگال نگاه سلیقه‌ای سیاست‌گزاران و مجریان امر گرفتار گردیده و از اثرات منفی محافظه کاری نیز مصون نمانده مجالی برای بروز در فضای اجتماعی و اقتصادی استان به‌طور کامل نیافته و در نتیجه مقولات مندرج در جدول بر اثر توسعه نامتوازن و ناکامل در بخش‌های مختلف سیاسی اقتصادی فرهنگی و اجتماعی ظاهر گردیده است.

پیشنهاد و راهکار

نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی به ستانده بخش کشاورزی ایجاد اشتغال و امکان کسب درآمد از یکسو و افزایش محصولات بخش کشاورزی با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان و نیروی کار آماده و توجه بیشتر به بخش کشاورزی و صنعت را در استان می‌طلبد. پایین بودن سهم سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی و تمهیدات لازم جهت جذب سرمایه‌گذاری، معافیت‌های مالیاتی و مشوق‌های سرمایه‌گذاری گسترش صنایع تبدیلی برای محصولات کشاورزی و بازاریابی داخلی و خارجی به خصوص به دلیل موقعیت مرزی استان از راهکارهای مناسب جهت برونرفت از مسائلی توسعه نامتوازن در بخش اقتصاد در استان می‌باشد.

- ✓ ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی در حوزه مواد اولیه و خام موجود در استان (معادن و کشاورزی)
- ✓ ایجاد راه هوایی و ریلی و بهبود زیرساخت‌های استان
- ✓ حمایت از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی توسط دولت و ارائه بسته‌های تشویقی جهت جذب سرمایه‌گذار
- ✓ توسعه سرمایه‌گذاری بخش دولتی در راستای حمایت از بخش خصوصی
- ✓ توجه به ظرفیت مرز در استان و توسعه صادرات و ایجاد اشتغال
- ✓ ایجاد فرهنگ کار در کشور و بها دادن به تولید ملی داخل کشور و زمینه صنعتی شدن و توسعه بخش صنعت
- ✓ حمایت دولت از بخش تولید در کشور و ایجاد و انگیزه افراد برای رقابت با تولیدات خارجی
- ✓ مدیریت صحیح در استفاده از منابع طبیعی و تبدیل این مواد به مواد فرآوری شده و رشد صادرات
- ✓ تلاش برای تکمیل زنجیره ارزش تولید محصولات معدنی با ارزش افزوده بالا و صادرات محور
- ✓ تدوین و اعمال سیاست‌های روشن و شفاف در بخش معدن

- ✓ تدوین بسته‌های مربوط به جذب سرمایه در مقیاس بین‌المللی و پیش‌بینی مشوق‌های لازم برای ارائه به سرمایه‌گذاران
- ✓ فعال شدن بخش بازرگانی کشور در جهت توسعه و کمک به صنایع معدنی با ارزش افزوده بالا برای مشارکت در صادرات جهانی
- ✓ پیگیری برای رفع تحریم‌ها و در نتیجه بهبود مبادلات بانکی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش معادن
- ✓ استفاده از مکانیسم بازار و بورس در تعیین قیمت مواد و حرکت به سمت فروش در قالب قراردادهای بلندمدت

منابع

- آسایش، حسن (۱۳۸۱) *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، تهران: انتشارات پیام نور.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی توسعه، اصول و نظریه‌ها*، تهران: انتشارات علم.
- آقازاده، علی (۱۳۹۴) *مقایسه سیاست‌های شهری قبل و بعد از انقلاب*، همایش شهری کشورهای اسلامی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷) *توسعه پایدار روستایی*، تهران: انتشارات اطلاعات
- توسلی، محمد (۱۳۸۲). *توسعه اقتصادی- مفاهیم- مبانی نظری- رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۷). *درس‌هایی از اقتصاد سیاسی- کم توسعه‌گی- مالیه سیاست- مالی و توسعه*، مجله فرهنگ توسعه، شماره ۴۰ و ۴۱.
- سیفالهی، سیف‌الله (۱۳۸۴) *اقتصاد سیاسی ایران*: مجموعه مقاله‌ها و نظرها، تهران: پژوهشکده جامعه پژوهشی و برنامه‌ریزی المیزان.
- عنبری، موسی (۱۳۹۵) *جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ*، تهران: انتشارات سمت
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۰) *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی؛ تهران: نشر مرکز.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۱) *برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای*، تهران: انتشارات خوشبین.
- کوه شکاف، ناهید (۱۳۸۷) *توسعه‌نیافتگی و چالش‌های قومی در مناطق کردنشین کشور مروری بر شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی استان‌های کردنشین غرب کشور در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۵۵*.
- گرب، ادوارد (۱۳۸۳) *نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌ها و نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر*، ترجمه محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی‌زاده، تهران: نشر معاصر.
- گیلیس و همکاران (۲۰۱۳) *اقتصاد و توسعه*. ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی). تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲) *تجربه‌نوسازی*، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- معاونت اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان کردستان (۱۳۹۷). *گزارش اقتصادی سال ۱۳۹۶*.
- میر، جerald (۲۰۱۱) *اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران: نشر نی.

- نوبخت، محمدباقر (۱۳۹۴) *مؤلفه‌های توسعه - سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مدیریت*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ۲۰۵-۲۱۳.
- Aguinaga, M., Lang, M., Mokrani, D., & Santillana, A. (2013) *Development critiques and alternatives: a feminist perspective*. Beyond Development: Alternative Visions from Latin America. Amsterdam, the Netherlands: Transnational Institute/Rosa Luxemburg Foundation, 41-59.
- Birsl, U. (2016) Anthony Giddens: *The Constitution of Society. Outline of the Theory of Structuration*, Cambridge: Polity Press 1984, 402 S. (dt. Die Konstitution der Gesellschaft. Grundzüge einer Theorie der Strukturierung, Campus: Frankfurt/New York 1988, 460 S.). In *Klassiker der Sozialwissenschaften* (pp. 346-349). Springer VS, Wiesbaden.
- Pacione, M., (2003) *Urban Geography, A Global Perspective*, 2th, London
- Tremblay, C. (2009) *Advancing the Social Economy for Socio-economic Development*: International perspectives Public Policy Paper Series Number 01-SEPTMEBER Canadian Social Economy Hub at the University of Victoria Victoria.
- Stiglitz, J. (2016) *The Triumphant return of John Maynard Keynes* in: Guatemala Times. December 5th Issue.